

وجه مصدری

یکنوع فعل در فارسی موجود است که میتوان آنرا وجه مصدری نامید و بکمک افعال شایستن ، بایستن ، توانستن ، یارستن بامصدری از مصادر افعال صرف میشود : توان شناخت یارست دید ، بایست رفتن .

این مصادر از قدیم بصورت مرخم و غیر مرخم آورده میشده چنانکه در مثالهای فوق ملاحظه شد .

بدین آلت و عقل و رای و روان ستود آفریننده را کی توان

دو فرزند ما را کنون باد و خیل بیاید شدن تا در اردبیل

از حیث معنی نیز وجه مصدری دو قسم است : یکی آنکه فاعل معینی ندارد :

توان شناخت بیک لحظه در شمائل مرد که تا کجاش رسیده است پایگناه علوم

دوم آنکه شخص فعل معین است : اگر نیستی از جهان نا امید ترا جور مردم چه

باید کشید .

امروزه بجای مصدر در قسم دوم صیغه های فعل مضارع آن بکار میرود و میگوئیم :

باید بروم ، نمیتوانم بگویم . تا .